

جولانی هروقت بی پول می شود به عربستان می رود

مهمان مامان



ابو محمد جولانی حاکم سوریه روز گذشته (مسئینه ۶ آبان ۱۴۰۴ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵) در سومین سفر خود به عربستان سعودی طی کمتر از یک سال گذشته، وارد این کشور شد. سفر اول، دیداری دو جانبه بود، سفر دوم برای گفت‌وگو با ترامپ رئیس جمهور آمریکا صورت گرفت و سومین سفر برای شرکت در نهمین دوره از اجلاس طرح سرمایه‌گذاری آینده انجام می‌شود. اگر سفر نخست برای گشودن رابطه با عربستان و جهان عرب بود سفر دوم برای جلب نظر آمریکا و مهار خطر رژیم صهیونی، سفر سوم بر اقتصاد متمرکز است. جولانی به‌ویژه پس از دیدار دوم با ترامپ و سپس سفر به مسکو و دیدار با پوتین، رئیس جمهور روسیه، احساس می‌کند به‌ثباتی نسبی در حوزه‌های سیاسی و امنیتی رسیده و حالا باید برای پایداری حکومتش به دنبال منابع مالی باشد.

نکات

در خصوص اوضاع حکومت جولانی نکاتی وجود دارد که در ادامه آمده‌اند.

۱- جولانی توری جهانی داشت که دوره اخیر آن از دیدار با مقامات آمریکایی در سفر نیویورک آغاز شده و به روسیه و حالا عربستان رسید. او پذیرش جهانی خود را از نظر دیپلماتیک تکمیل کرده است.

۲- علاوه بر پذیرش جهانی، جولانی به همکاری‌های بین‌المللی برای حل چند مشکل خود نیاز دارد. جولانی می‌داند قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای به طور مستقیم و غیر مستقیم در سوریه دارای نیروهای نظامی و گروه‌های هم‌سو هستند و اگر با آن‌ها تعامل نکند، این نیروها علیه او به حرکت درمی‌آیند. حتی اگر این نیروها علیه جولانی وارد عمل نشوند، اقدامات خشن سازمان‌آه‌ها که باعث تداوم شرایط پیشین مانند آغاز نشدن بازسازی می‌شود، می‌تواند برای جولانی به بهای التهاب و سقوط تمام شود.

۳- جولانی در حال حاضر در تمام اجلاس‌های ممکن حاضر می‌شود تا تمایل خود برای مشارکت در فعالیت‌های جمعی را نشان دهد.

۴- دولت‌های عربی حساسیت زیادی در عربی ماندن هویت سیاسی دولت سوریه دارند. از این رو با وجود آنکه می‌دانستند جولانی چه وابستگی‌های به ترکیه دارد، آغوش خود را برای وی گشودند و آنکارا نیز برای مواجه شدن با فشارهای مهارکننده عربی، این اتفاق را پذیرفت.

مشکلات دولت جولانی

حکومت سوریه مشکلاتی دارد که حل آن‌ها را در ارتباط با دیگران جست‌وجو می‌کند.

مشکلات مالی و اداری

جمعیت نقاط تحت سیطره دولت اسد به ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ۲۰ ۲۳ میلیون سوریه می‌رسید. با سقوط اسد مناطق تحت کنترل او به دست جولانی افتاده و با مناطقی که پیش از این در اختیارش بود، جمع شده‌اند. تنها در ادلب، ۳٫۵ میلیون نفر حضور داشتند و با احتساب نقاطی در شمال ادلب، استان حمصکه و لاذقیه، مجموع جمعیت نقاط تحت کنترل مخالفان تکفیری اسد در شمال سوریه به حدود ۵ میلیون نفر می‌رسید. این اعداد نشان می‌دهد جمعیت تحت حکومت دولتی مرکزی در دمشق از حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر به ۱۷ تا ۲۰ میلیون نفر رسیده است. خارج از کنترل دمشق، احتمالاً ۳ تا ۴ میلیون نفر دیگر در مناطق تحت سیطره گروه‌های کردی حضور دارند. اگر حکومت جولانی مستقر



گذارد. کردها می‌خواهند با استفاده از شرایط، اندکی به نقاط تحت کنترل لشان در شمال سوریه بفرمایند. در جنوب، شرق و شمال شرق جولانی با نفوذ و پیش روی خزنه زمین رقبای روبروست.

خطر جنگ

دولت اسد در طول بحرانی که از سال ۲۰۱۱ شروع شد، در برهه‌هایی در خطر جنگ قرار گرفت؛ اما حمله خارجی هیچ‌گاه رخ نداد. در این دوره حملات خارجی جستجوگر یخته ادامه داشتند؛ اما قضایا به جنگ منجر نشد. دولت جولانی اما با خطری بزرگ در سمت جنوب از سوی رژیم صهیونی روبروست. حجم حملاتی که صهیونیست‌ها به سوریه پس از سقوط اسد انجام داده‌اند، از نظر تعداد سورتی پرواز، حجم مواد منفجره و نوع اهداف با حملاتی که طی یک دهه بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ علیه اسد انجام دادند، قابل مقایسه نیست. جولانی با خطر حمله سنگین صهیونیست‌ها روبروست و می‌داند تل‌آویو در این زمینه به هیچ چیز راضی نیست. رژیم صهیونی سوریه‌ای آشوب‌زده می‌خواهد تا با تسلط بر جنوب آن، راهی به سمت شرق گشوده و خود را به مناطق کردنشین سوریه، عراق و ترکیه متصل کند.

مشروعیت

جولانی با پذیرش منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه است؛ اما سرنوشت لیبی، عراق و یمن را به یاد دارد. دولت‌های متحد جولانی می‌توانند در مدت کوتاهی نظر خود را نسبت به او تغییر دهند. از این رو او به طور مداوم و سخاوتمندانه‌ای در پی کسب نظرات آن‌ها و تأمینشان است. این مسیر در کوتاه‌مدت کارآمد اما در بلندمدت شامل خطراتی است. دور از هنر است که جولانی قادر به تأمین هم‌زمان نظرات قدرت‌های فرامطقه‌ای و منطقه‌ای باشد.

سلام بر ویدئو

و پادکست؛ زنده باد کاغذ

ادامه از صفحه یک

۴

روزنامه کاغذی هنوز مهم است، سال هاست کارویژه روزنامه‌های جدی دنیا عوض شده است، روزنامه دیگر کاغذ اخبار نیست، روزنامه‌ها حالا استخر داده‌های تحلیلی هستند که محتوای آن به فضای مجازی سرریز می‌کند، روزنامه‌ها و مجله‌ها با دایره مخاطب جدی‌تر و حرفه‌ای‌تر و نخیکنانی‌تر، محتوای پراکنده، متکثر و گاهی فریبنده مجازی را از مسیر ساختن عینک تحلیلی برای مخاطبان قاب بندی می‌کنند.

کاغذی‌ها حالا عمیق‌تر، پژوهشی‌تر و ذو ابعادتر از قبل هستند و روی مخاطب هدفمند اثر عمیق‌تری می‌گذارند، رسانه کاغذی خوب می‌تواند اتفاقاً از سرگیجه رسانه‌ای حاصل از تکثر ظاهری رسانه‌ها استفاده کند و به مخاطبش به جای تحلیل دادن شیوه تحلیل کردن بیاموزد. با این کارویژه، مرز روزنامه و کتاب باریک می‌شود؛ یعنی روزنامه نگاران می‌شوند نویسندگان کتاب‌های کوچک که باید در یک بازه زمانی محدود محتوای حساب شده‌ای را به دست اهلس برسانند، لذا حداقل به همین یک دلیل نمی‌توان گفت کار رسانه کاغذی تمام شده است. پس زنده باد کاغذ!

۵

همان قدر که لزوم ماندن روزنامه کاغذی قطعی است، پارادایم شیفت ذائقه طیفی از مخاطبان و شیوه دسترسی‌شان به شکل‌های متفاوت رسانه هم غیرقابل انکار است، شاهد این ماجرا مردان و زنان متروسواری هستند که هدفون در گوش یا خیره به صفحه تلفن همراه ممکن است چند ایستگاه بعد از مقصدشان پیاده شوند، درباره پادکست، ریلز، توئییت و سایر محصولات میکرو مدیاها پژوهش‌های مهمی انجام شده است که همگی خبر از مصرف بالای‌می دهند، آیا می‌توان این مخاطب را ندیده گرفت؟

۶

اهالی «فرهیختگان» چند ماهی می‌شود که به سؤال عباس میزبانی‌شان فکر کرده‌اند و به آن پاسخ داده‌اند، سلام بر ویدئو و پادکست، زنده باد کاغذ!

«مجلهٔ تصویری فرهیختگان» که از امروز در فضای مجازی منتشر می‌شود پاسخی عملی به این راهبرد است، کمی سبک‌تر شدن گِرم کاغذ، «فرهیختگان» در عین حفظ محتوای آن به تولید چند برنامه ویدئویی و پادکستی در زمینه‌های اندیشه، فرهنگ، تاریخ، بین‌الملل، ورزش و… بدون افزایش بار مالی به مجموعه می‌ارزد. این تحول حاصل طراحی و اقدام تیم «فرهیختگان» است. تولیداتی که به‌مور زمان منتشر خواهند شد و از آنها بیشتر خواهید شنید و ما سعی کردیم در مواجهه با این نوآوری جزو آن ۲٫۵ درصد نخست باشیم.

۷

نخستین فرآورده «مجلهٔ تصویری فرهیختگان» نامش «ایده» است، ایده‌ای برای ایران، دانشوران جوان علوم انسانی از طیف‌های فکری، فرهنگی و سیاسی گوناگون که سال‌ها روی پروژه‌های فکری خاصی کار کرده‌اند و به نتایج مهمی رسیده‌اند، روبه‌روی دوربین «فرهیختگان» نشستند و بدون لکنت از ایده‌هایشان گفتند، جناب پرویز امینی هم متواضعانه نقش مجری و کارشناس را در این گپ علمی بر عهده داشتند و بر غنای کار افزودند، حاصل کار هم مجموعه‌ای ارزشمند شد که از امروز به پیشگاه مخاطبان عرضه شده است. در «مجلهٔ تصویری فرهیختگان» معتقدیم کارمان خالی از اشکال نیست و باید در فرایند نقد قرار بگیریم و این بخش، کار شمامست.

«ایده»؛ خانهٔ اندیشمندان علوم انسانی

ادامه از صفحه یک

در امتداد درهم‌تنیدگی میان فرهنگ یادمند و نقد اقتصاد سرعت، می‌توان عمق فلسفی این دو را در افق پدیدارشناسی رسانه آشکارتر کرد. در نگاه آسمن، حافظه فرهنگی به صرفاً آنباشت دانش، بلکه ساختار پایداری است که در آن جامعه خود را بازمی‌خواند و زمان را تجربه‌پذیر می‌کند. در این چشم‌انداز، روزنامه کاغذی به‌صورت یک ضد‌نظام ظاهر می‌شود. در جایی که بازار توجه و سرعت بی‌وقفه، ارزش را در لحظه درخشان دیجیتال تعریف می‌کند، روزنامه زمان را منجمد می‌سازد و لحظه را به یاد تبدیل می‌کند.

حال «فرهیختگان» ضمن دفاع از حیثیت رسانه‌های مکتوب و ضرورت وجود روزنامه به‌مثابه سازه حافظه‌ای جامعه ایران، با تأسیس مجله تصویری، گام بلندی در راستای استحکام بیشتر این بنابر داشته است. «مجله تصویری فرهیختگان» هم‌هنگام روزنامه است و نیست. به این اعتبار که تداوم معنایی روزنامه خواهد بود و در کوله‌بارش تجارب ارزشمند ده‌ها و سبصد و چهار شماره روزنامه در دوره جدید راه‌مراه دارد؛ هم‌چنین با نوآوری و بهسازی قالب‌های ارائه و انتشار، فرآوری از روزنامه است. تلاش ما در «مجله تصویری فرهیختگان» در ادامه مسیر دشوار روزنامه است که باید نه به دام ابتذال امر روزمره گرفتار شد و نه در هیروت بی‌نسبتی با امر واقع خود را کاکالیزه کنیم و گرداگرد مخاطبان معنا، محتوای‌های یک‌جانبه و تمامیت‌خواهانه حصار بکنیم. بر قلم رسانه‌ای تازه، اگر بخواید مؤثر و گیرا – نه الزماً جالبش‌برانگیز – باشید، باید رسانه پیشین را در خود بازمایی و بازطراحی‌کند. از آن تغذیه کند و صورت تازه‌ای برای همان محتوا و منظر بسازد. در این معنا، مجله تصویری نه تنها رقیب روزنامه نیست؛ امتداد و فرآوری از آن است. امتداد از رسانه مکتوب و رسانه جدید، نه نگه‌داری کاغذ، بلکه پاسداری از روح کاغذ است.

«مجله تصویری فرهیختگان» بضاعت مزج‌ات ما در روزنامه «فرهیختگان» برای گشایش مسیرهای نو و نخستین برنامه، مجله علوم انسانی «ایده» است.

«ایده» میانه‌ی اصحاب رسانه و اندیشه است و با خواش مسئله‌مند گذشته، افق ایده‌آر می‌گشاید. این میانه‌ی‌گری، شرط فرهنگی حضور تازه است. به‌زعم ما این قالب جدید رسانه‌ای اگر نتواند از نشأت خط ووقار پاراگراف تقلید کند، به‌ حضور بی‌ریشه تبدیل خواهد شد. مجله علوم انسانی «ایده»، برون‌داد تکیه و پیوستگی محتوایی «مجله تصویری فرهیختگان» به منابع و میراث مکتوب است. «ایده» با میزبانی دانشگاهیان و پژوهشگران علوم انسانی، مواد فکر و اندیشه‌ورزی آینده ایران را پیش چشم مخاطبان به‌ویژه ذی‌نفعان رنجبره علوم انسانی ولایه حکمرانی می‌نشانَد و تلاش می‌کند بستری امن فراهم‌کند تا نظروژدان علوم انسانی پروژه‌ها و دستاوردهای اندیشگانی خود را در معرض شناسخت و با‌خوانی قرار دهند؛ بی‌هیاهو و حومت‌شکنی. ما در تحریریه «مجله تصویری فرهیختگان» از این لحظه خواستار و چشم‌به‌راه استادان جوان و پژوهشگران حوزه‌های متنوع علوم انسانی خواهیم بود. «ایده»، خانه اندیشمندان علوم انسانی است.

رمزگشایی از تحرکات اسرائیل در جنوب لبنان



رفتار رژیم صهیونیستی در حمله و تجاوز به لبنان دو بعد دارد؛ یکی داخلی و دیگری منطقه‌ای. در بخش داخلی رژیم صهیونیستی وارد پروسه انتخابات شده؛ انتخاباتی که بعدیست زودتر از موعد قانونی برگزار شود. طبق آخرین نظرسنجی‌ها، همچنان نتانیاهو و طیف متحد با او جلوتر از اپوزیسیون هستند، با این وجود تعدادشان به اندازه‌ای نیست که بتوانند کابینه تشکیل دهند و به عدد ۶۱ نمی‌رسد. از طرفی از یکی دوام گذشته تاکنون، تعداد کرسی‌هایی که طبق پیش‌بینی‌ها به طیف نتانیاهو و متحدان آن‌تعلق می‌گیرد، در حال کاهش است. اگر چه همچنان نسبت به اپوزیسیون بیشتر است، ولی در یک‌سیر نزولی قرار دارد. این یعنی رژیم صهیونیستی وساکتان سرزمین‌های اشغالی، رأی هیجانی خود را به صندوق نتانیاهو می‌ریزند و هر قدر این هیجان کمتر شود و جامعه به سمت صلح و آتش‌بس کشیده‌شود، این آرا نیز کمتر می‌شود. در حال حاضر، مرعبی که نام آن را «مرعب بال» می‌گذارم، یعنی بنت، آیزنکوت، لاپید و لیبر من، در حال تشکیل اجماع هستند تا بتوانند نتانیاهو را در انتخابات بعدی شکست دهند. نتانیاهو از وضعیت سیاسی داخلی ترس دارد. جامعه صهیونیستی از او خسته‌شده افکار متحدان آن در جمله بن‌غفیر و سموت ریچ مشتمن‌کننده، در در سازه و به تعبیری به چهره اسرائیل و ادعاهای دموکراتیک خدشه وارد کرده، بنابراین مردم می‌خواهند از این وضعیت عبور کنند.

نتانیاهو متوجه این تحول شده و می‌داند اگر جامعه به سمت آرامش برود، تعداد آرای او کمتر و کمتر می‌شود. طی چند ماه گذشته میزان آرای نتانیاهو، اگر چه نسبت به اپوزیسیون بیشتر است، اما از حد قانونی لازم برای تشکیل دولت جدید کمتر است، بنابراین گفته می‌شود برای جلوگیری از فروکش کردن هیجان، تا یک سال آینده، نتانیاهو در دوره زمستانی کنست، رأی به انحلال کنست – که همان پارلمان رژیم صهیونیستی است – خواهد داد.

مقاومت و نظم امنیتی، ۲ مؤلفه مؤثر در طراحی‌های منطقه‌ای

از بعد منطقه‌ای، دو پایه «مقاومت» و «نظام امنیتی جدید» رفتار نتانیاهو و رژیم صهیونیستی را در هر آنچه در منطقه و به‌ویژه در لبنان می‌گذرد، طراحی می‌کند؛ بعد مقاومت به این معناست که رژیم صهیونیستی به این نتیجه رسیده که مقاومت در حال بازیابی خود است و به‌خصوص حزب‌الله لبنان، به‌عنوان یکی از اعضای الهام‌بخش و توان‌بخش محور که به‌مرحله سامان‌بخشی محور مقاومت رسیده و می‌تواند پسری در احیا یا ترمیم محور مقاومت داشته باشد، بنابراین باید از این ترمیم جلوگیری شود. در بعد نظام امنیتی جدید نیز، طوفان الاقصی عرصه‌را برای شکل‌گیری یک نظم امنیتی تازه فراهم کرده، یعنی از یک‌سورژیم صهیونیستی و از سوی دیگر محور مقاومت در تقابلند تا نظم مورد نظر خود را اعمال کنند. نظم مورد نظر مقاومت عبارت است از: مخالفت با اشغال‌گری، مخالفت با حضور بیگانه، مخالفت با حمله خارجی و مخالفت با نظم تحمیلی، در مقابل، نظم مورد نظر رژیم صهیونیستی و آمریکا، یکی از پایه‌های اصلی آن عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشور‌های عربی است.

چرا اسرائیل، حملاتی علیه لبنان شروع کرد؟

رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد حزب‌الله در دریای از بحران‌ها غرق خواهد شد.

به‌تصور آن‌ها، بعد از به‌شهادت رسیدن سید حسن نصرالله و تازمان انعقاد آتش‌بس در آذرماه ۱۴۰۳ حزب‌الله باید روندی نزولی را طی می‌کرد؛ در ساماندهی آوارگان، در نوع تعامل با ارتش، در مدیریت روابط با کشور‌های عربی، در تقابل با گروه‌های تکفیری، در مدیریت داخلی و ترمیم ضربات امنیتی و نظامی خورده، آن‌ها تصور می‌کردند حزب‌الله در جا خواهد زد. اما حزب‌الله، حداقل از مهرماه به این سو ثابت‌کرد از پشتوانه عظیم مردمی بر‌خوردار است و قنوتس‌وار از خاکستر و آتشی که رژیم صهیونیستی بر لبنان تحمیل کرده‌بود، بر می‌خیزد، بنابراین صهیونیست‌ها چاره‌ادر حضور حداکثری و ضربتی خود دیدند. از این‌رو، شاهد چنین حملاتی در لبنان هستیم و احتمالاً همچنان خواهیم بود.

راهبرد اسرائیل برای جنگ علیه لبنان

راهبرد‌های اسرائیل برای جنگ علیه لبنان؛ ۱. جلودگری از بازسازی لبنان و مناطق شیعه‌نشین در درجه اول هدف قرار دارد؛ ابتدا روستاها و شهر‌های مرزی، حداقل تا پنج کیلومتر، شهر‌های زیر رودخانه لیطانی که ۸۰۰ کیلومتر مربع را به‌صورت کلی دربر می‌گیرد از لبنان ۱۰ هزار کیلومتری و گام‌مسوم، شرق لبنان است که دره بقاع و بعلبک را در بر می‌گیرد. رژیم صهیونیستی در مرحله اول بنا دارد که بازسازی در این مناطق شکل بگیرد و به همین خاطر می‌بینیم که کارخانه‌های آسفالت‌سازی، سنگ‌شکن‌ها و سیمان‌سازی‌ها را هدف قرار می‌دهد. ۲. یکی از اهداف اصلی رژیم صهیونیستی، تأثیرگذاری بر انتخابات پیش روی لبنان است. چهار پنج ماه دیگر انتخابات لبنان است. در انتخابات قبلی، طیفی به نام جامعه مدنی شکل گرفت و توانست ۱۲ یا ۱۳ نماینده را برای اولین‌بار به مجلس بفرستد. این تعداد زیاد از سوی «جامعه مدنی» وارد مجلس شدند که اتفاقاً این‌ها عموماً ضد مقاومتند؛ اما در سال‌های اخیر، این جامعه مدنی فروکش کرده است؛ جامعه‌ای که بعد از اعتراضات ۲۰۱۹ شکل گرفته‌بود، اکنون دیگر عده و عده‌ای برایش باقی نمانده است. حالا بهانه‌ای لازم است که این‌ها مجدداً بر‌خیزند و تجدید قوا کنند. چه بهانه‌ای بهتر از اینکه حزب‌الله را عامل جنگ، ناامنی و نابسامانی لبنان معرفی کنند؟ رژیم صهیونیستی، ابزار و بهانه‌ای برای متحدان پنهان خود در داخل لبنان ایجاد می‌کند. ۳. داشتن حزب‌الله به حرکت‌های هیجانی است. حزب‌الله ملاحظات لبنانی، عربی و ملی دارد. در طراحی و اکتش‌های خود، عده و عده‌اش را می‌بیند. اولویت‌های خود را لحاظ می‌کند و نمی‌خواهد وارد هیجان با رژیم صهیونیستی شود. آیا بسا این جنگ به تعبیری جنگی از مآبشی باشد؟ رژیم صهیونیستی می‌خواهد ببیند حزب‌الله از آتش‌بس به این‌سو در کجا‌ها توانسته خود را بازسازی کند، کجا‌ها را ترمیم کرده و اگر بخواید حمله کند، از کجا حمله خواهد کرد؟ اما حزب‌الله نمی‌خواهد در حال حاضر این برگ را رو کند و وارد تنش هیجانی شود که عامل آن رژیم صهیونیستی است؛ چرا که رژیم خود را برای این تقابل هیجانی آماده کرده است. ۴. تلاش برای به‌هم‌ریختگی داخلی لبنان، هدف دیگر است. همچنان امیدوارند شیعه با شیعه، شیعه با سنی، شیعه با مسیحیت و در بالاترین سطح، حزب‌الله و مقاومت با سه‌گانه ارتش، ریاست جمهوری و کابینه در یفتند و درگیر شوند تا تشنج سیاسی در لبنان ایجاد شود.

حزب‌الله با ابتکار، شجاعت و دیپلماسی بسیار فعال و قوی خود توانسته جامعه پرتلاطم سیاسی لبنان را مدیریت کند و از یک جنگ داخلی نظامی و سیاسی عبور دهد. با این حال، اسرائیل همچنان امیدوار است بتواند حزب‌الله را با یک واکتش هیجانی مواجه کند که ابعاد امنیتی، نظامی و سیاسی آن، دامان خود حزب‌الله